

اللهم اغفر لي



دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده علوم انسانی
گروه جامعه‌شناسی

رساله برای دریافت درجه دکتری
رشته: جامعه‌شناسی گرایش: سیاسی

مطالعه‌ی قانونمندی دولت در ایران پس از انقلاب اسلامی
با اتکا به تقنین و اجراء قوانین مطبوعاتی

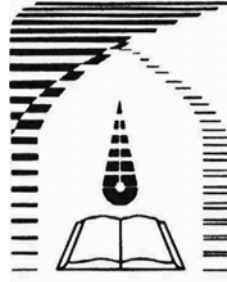
نگارنده

رحیم محمدی

استاد راهنما

دکتر علیمحمد حاضری

آبان ۱۳۹۱



دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده علوم انسانی

گروه جامعه‌شناسی

رساله برای دریافت درجه دکتری
رشته: جامعه‌شناسی گرایش: سیاسی

مطالعه‌ی قانونمندی دولت در ایران پس از انقلاب اسلامی

با اتکا به تقنین و اجراء قوانین مطبوعاتی

نگارنده

رحیم محمدی

استاد راهنما

دکتر علی‌محمد حاضری

اساتید مشاور

دکتر تقی آزاد ارمکی

دکتر حسین مهرپور

آبان ۱۳۹۱



بسمه تعالی

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

را

خانم آقای *محمد رحیمی* رساله دکتری واحدی خود را با عنوان: *مطالعه تأثیر نثری دولت در...* در تاریخ ۹۱/۸/۲۰ ارائه کردند. *سید احمد...* با کتاب *تفتیش و امر...* مطهراتی
اعضای هیات داوران نسخه نهایی این رساله را از نظر فرم و محتوا تایید کرده است و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه دکتری *محمد رحیمی* پیشنهاد می کنند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
		دکتر محمد رحیمی	۱- استاد راهنمای اصلی
		—	۲- استاد راهنمای دوم
	استاد	دکتر امیر	۳- استاد مشاور اول
	استاد	دکتر حسین	۴- استاد مشاور دوم
	استادیار	دکتر افشار	۵- استاد ناظر
	دانشیار	دکتر سعید	۶- استاد ناظر
	استادیار	دکتر علی	۷- استاد ناظر
	استادیار	دکتر مهدی	۸- استاد ناظر
	استادیار	دکتر احسان	۹- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجوی مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

اینجانب..... دانشجوی رشته..... متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آئین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضاء:.....

تاریخ:.....

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است. بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته
دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار
در دانشکده

خانم/جناب آقای دکتر ، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر

و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب مصطفی دانشجوی رشته جاسه ساسی مقطع دکتری

تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: مصطفی
تاریخ و امضا: ۹۱/۱۱/۵

چکیده

موضوع پژوهش حاضر بررسی قانون‌گرایی و قانون‌گرایی دولت در ایران پس از انقلاب اسلامی با اتکا به تقنین و اجرا قوانین مطبوعاتی است. قانون‌گرایی و قانون‌گرایی دولت، معرف تغییرات دولت قانون (The law State) است، دولت قانون نیز یکی از وجوه و صورت‌های حکومت قانون (Rule of law) به حساب می‌آید. پرسش اصلی تحقیق این است؛ چرا علیرغم وجود ساختارهای قانونی چون پارلمان و قانون اساسی در ایران در عین حال قانون‌گرایی و قانون‌شکنی دولت بالا است؟ به عبارت دیگر چرا در ایران تعارض قدرت - قانون همچنان بالا است؟ این پرسش که تلخیصی از مسأله پژوهش است، در سه رویکرد نظری تبیین شده است: ۱- رویکرد توکویلی - دورکیمی: در این رویکرد ملاک دولت قانون حضور نهادهای مدنی و تحقق آزادی است. ۲- رویکرد وبری - هابرماسی: در این رویکرد ملاک دولت قانون توسعه عقلانیت صوری، بورکراسی و گفتمان انتقادی است. ۳- رویکرد پاره‌توئی - آرننتی: در این رویکرد عمدتاً بررسی مشکلات و موانع دولت قانون مورد توجه قرار گرفته است و از این منظر اکثر مشکلات دولت قانون از ناحیه کنش‌های سیاسی نخبگان و توده‌ها است که در جامعه سیاسی به ظهور می‌رسند.

مدل مفهومی که از رویکردهای سه‌گانه فوق بر ساخت شده حاکی از این است که در ایران تغییرات دولت قانون تابعی از تغییرات سه متغیر؛ جامعه‌سیاسی باز، رفتار سیاسی توده‌ها و کاست‌گرایی نهادهای مدنی است. آزمون تجربی فرضیات تحقیق مبتنی بر شواهد تجربی گردآوری شده در خصوص قوانین مطبوعاتی پس از انقلاب اسلامی از مرحله تقنین تا اجرا و قضا است که در مقطع ۳۳ ساله پس از انقلاب اسلامی به وقوع پیوسته است. یافته‌های تجربی پژوهش حاکی از آن است که سه متغیر مذکور ۵۷ درصد تغییرات دولت قانون را تعیین می‌کنند به این صورت که؛ باز بودن جامعه‌سیاسی تأثیر مثبت بر روی دولت قانون دارد، ولی با افزایش یکسویه گرایی رفتار سیاسی توده‌ها به نفع دولت و کاست‌گرایی نهادهای مدنی از میزان قانون‌گرایی دولت نیز کاسته می‌شود.

کلمات کلیدی: حکومت قانون، دولت قانون، جامعه‌سیاسی باز، کاست‌گرایی مدنی، یکسویه‌گرایی توده‌ها

فهرست مطالب

عناوین

شماره صفحه

فصل یکم؛ مسأله پژوهش

- ۱- طرح مسأله ۲
- ۲- پرسش اصلی پژوهش ۷
- ۳- ضرورت و اهمیت پژوهش ۷
- ۴- اهداف پژوهش ۱۰

فصل دوم؛ تحقیقات پیشین

- ۱- فکر حکومت قانون ۱۲
- ۲- آغاز پژوهش در مناسبات دولت و قانون در ایران ۱۳
- ۳- بی توجهی به موضوع حکومت قانون در مراحل بعدی ۱۴
- ۴- تأثیر شرایط سیاسی - اجتماعی بر پژوهش حکومت قانون ۱۶
- ۵- روش بررسی تحقیقات موجود ۱۷
- ۶- ارزیابی تحقیقات موجود ۱۸
- ۷- مشکل تحقیقات موجود ۲۳

فصل سوم؛ تبیین تئوریک مسأله پژوهش

- تبیین تئوریک مسأله پژوهش ۲۵
- ۱- رویکرد توکویلی - دورکیمی ۲۶
 - ۱-۱ توکویل ۲۶
 - ۱-۱-۱ تضاد نهادهای مدنی مدرن و سنتی ۳۰
 - ۱-۱-۲ تحول مفهومی و نظری جامعه مدنی ۳۱
 - ۱-۱-۳ جنبش‌های اجتماعی جدید به مثابه نهاد مدنی ۳۴
 - ۱-۲ دورکیم ۳۵
 - ۱-۲-۱ دولت و نظم حقوقی ۳۷
 - ۱-۲-۲ دولت و بورکراسی ۳۹
 - ۱-۳ پارسونز ۴۱
 - ۲- رویکرد وبری - هابرماسی ۴۳
 - ۲-۱ وبر ۴۳
 - ۲-۱-۱ طبقه‌بندی قوانین ۴۴
 - ۲-۱-۲ نسبت قانون و قدرت ۴۷

۴۸	۳-۱-۲- نسبت قانون و کاریزما.....
۴۹	۲-۲- هابرماس.....
۴۹	۲-۲-۱- حوزه عمومی و دولت قانون.....
۵۱	۳-۲- آنتونی گیدنز.....
۵۱	۳-۳-۱- کنش و تضاد.....
۵۲	۳- رویکرد پاره‌توئی - آرنتی.....
۵۲	۳-۱- پاره‌تو.....
۵۴	۳-۱-۱- نخبگان و دولت.....
۵۵	۳-۱-۲- حکومت قانون و اقناع.....
۵۶	۳-۲- هانا آرنت.....
۵۶	۳-۲-۱- توده به مثابه قدرت.....
۵۹	۳-۲-۲- توده و دولت.....
۶۰	۳-۳- تیلی و گوارتزل.....
۶۱	۳-۳-۱- جامعه سیاسی.....
۶۴	۳-۳-۲- سنخ‌شناسی جامعه سیاسی.....
۶۶	۳-۳-۳- جامعه سیاسی و فرایند غیریت‌سازی.....
۶۸	۴- تدقیق و بازاندیشی در چند مفهوم اساسی.....
۶۸	۴-۱- قانون و گونه‌شناسی آن.....
۷۱	۴-۲- حکومت قانون.....
۷۲	۴-۳- صورت‌های ظهور حکومت قانون.....
۷۲	۴-۳-۱- دولت مشروطه.....
۷۴	۴-۳-۲- دولت حقوقی.....
۷۴	۴-۳-۳- دولت قانون.....
۷۵	۴-۳-۴- ابعاد دولت قانون.....
۷۵	۴-۳-۴-۱- سیاست‌های تقنینی.....
۸۱	۴-۳-۴-۲- سیاست‌های بورکراتیک.....
۸۵	۴-۳-۴-۳- سیاست‌های قضایی.....
۸۸	۴-۳-۵- گونه‌شناسی دولت قانون.....
۸۹	۴-۳-۵-۱- دولت قانون عقلانی - متکثر.....
۸۹	۴-۳-۵-۲- دولت قانون سنتی - انتقالی.....
۹۱	۴-۳-۵-۳- دولت قانون اخلاقی - ایدئولوژیک.....
۹۱	۵- به سوی مدل علی پژوهش.....
۹۳	۵-۱- مدل علی پژوهش.....
۹۴	۵-۲- فرضیات.....

فصل چهارم؛ روش شناسی

۹۶	۱- مفاهیم.....
۹۶	۱-۱- دولت قانون
۹۶	۱-۱-۱- شاخص ها و س.نجه های دولت قانون.....
۹۶	۱-۱-۱-۱- شاخص های سیاست های تقنینی.....
۹۷	۱-۱-۱-۲- شاخص های سیاست های بورکراتیک.....
۹۷	۱-۱-۱-۳- شاخص های سیاست های قضائی.....
۹۷	۱-۲- جامعه سیاسی باز.....
۹۷	۱-۲-۱- شاخص ها و سنجه های جامعه سیاسی باز.....
۹۸	۱-۳- یکسویه گرایی توده ها.....
۹۸	۱-۳-۱- شاخص ها و سنجه های یکسویه گرایی توده ها.....
۹۸	۱-۴- کاست گرایی نهادهای مدنی.....
۹۹	۱-۴-۱- شاخص ها و سنجه های کاست گرایی نهادهای مدنی.....
۹۹	۲- واحدهای تحلیل.....
۹۹	۳- اعتبار و پایایی.....
۱۰۱	۴- گردآوری داده ها و اطلاعات.....
۱۰۱	۵- روش تحلیل داده ها و اطلاعات.....

فصل پنجم؛ تبیین تجربی و ارائه یافته های پژوهش

۱۰۴	۱- بررسی و توصیف اجتماعی- تاریخی.....
۱۰۴	۱-۱- دولت قانون.....
۱۰۴	۱-۱-۱- سیاست های تقنینی و مطبوعات.....
۱۰۴	۱-۱-۱-۱- انتخابات مجلس پس از انقلاب اسلامی.....
۱۰۷	۱-۱-۱-۲- تقنین قوانین مطبوعاتی.....
۱۰۸	۱-۱-۱-۳- آغاز قانون مطبوعات در ایران معاصر.....
۱۱۱	۱-۱-۱-۴- قوانین مطبوعاتی پس از انقلاب اسلامی.....
۱۱۹	۱-۱-۱-۵- قوانین مطبوعاتی و چندگانگی مراجع تقنین.....
۱۲۰	۱-۱-۱-۶- قوانین مطبوعاتی و شرایط اجتماعی و سیاسی.....
۱۲۲	۱-۱-۱-۷- پیامد قوانین مطبوعاتی پس از انقلاب اسلامی.....
۱۲۲	۱-۱-۱-۲- سیاست های بورکراتیک و مطبوعات.....
۱۲۷	۱-۱-۱-۳- سیاست های قضایی و مطبوعات.....
۱۳۱	۱-۲- رفتار سیاسی یکسویه توده ها.....
۱۳۲	۱-۲-۱- یکسویه گرایی توده ها.....
۱۳۷	۱-۳- کاست گرایی نهادهای مدنی.....

- ۱-۳-۱- مناسبات نهادهای مدنی سنتی و مدرن ایران..... ۱۳۷
- ۱-۳-۲- سه حالت تکرارشونده در مناسبات روحانیت، روشنفکری و دولت..... ۱۳۹
- ۱-۳-۳- بررسی داده‌های کاست‌گرایی نهادهای مدنی..... ۱۴۰
- ۱-۴- جامعه سیاسی..... ۱۴۴
- ۲- تبیین روابط علی متغیرها..... ۱۴۸
- ۲-۱- آزمون مدل علی و فرضیات..... ۱۴۸
- ۲-۲- تحلیل رگرسیون متغیرها..... ۱۴۹
- ۲-۳- تحلیل مسیر متغیرها..... ۱۵۲
- ۲-۴- مدل خروجی برنامه Amos..... ۱۵۴
- ۲-۵- تحلیل واریانس دوره‌های چهارگانه دولت قانون..... ۱۵۵

فصل ششم؛ بحث و نتیجه‌گیری

- ۱- دلالت‌های توصیفی و تجربی..... ۱۶۱
- ۱-۱- دولت ایرانی..... ۱۶۲
- ۱-۲- دولت قانون و جامعه ایرانی..... ۱۶۵
- ۱-۳- ماهیت دولت قانون در جامعه ایرانی..... ۱۶۵
- ۱-۴- روند دولت قانون در تاریخ معاصر ایران..... ۱۶۶
- ۲- دلالت‌های نظری..... ۱۶۸
- ۲-۱- ارزیابی رویکرد توکویلی - دورکیمی..... ۱۶۸
- ۲-۲- ارزیابی رویکرد پاره‌تویی - آرنتی..... ۱۶۹
- ۲-۳- ارزیابی رویکرد وبری - هابرماسی..... ۱۷۰
- ۲-۳-۱- تنازع‌های قانون و قدرت..... ۱۷۱
- ۲-۳-۲- تنازع‌های قانون و اخلاق..... ۱۷۵
- ۳- محدودیت‌ها و مشکلات پژوهش..... ۱۷۵
- ۳-۱- کمبود ادبیات نظری و فقدان پژوهش..... ۱۷۵
- ۳-۲- هزینه‌های پژوهش و نقش دولت در هدایت پژوهش‌ها..... ۱۷۶
- ۳-۳- مشکل داده‌یابی و راه حل آن..... ۱۷۶
- ۴- پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده..... ۱۷۷

منابع و مأخذ

- ۱- کتابها..... ۱۷۸
- ۲- مقالات..... ۱۸۳
- ۳- منابع خارجی..... ۱۸۵
- ۴- وب سایت‌ها..... ۱۸۶

فهرست جداول

عناوین

شماره صفحه

- جدول ۱: توزیع آثار و تألیفات بر اساس جریان‌های فکری عصر مشروطه..... ۱۹
- جدول ۲: توزیع آثار و تألیفات در سه دوره تاریخی..... ۲۱
- جدول ۳: توزیع پایان‌نامه‌های دانشجویی بر اساس رشته‌های علمی..... ۲۲
- جدول شماره ۴: تحلیل عاملی سنجه‌های (معرف‌های) تجربی و بار عاملی..... ۱۰۰
- جدول شماره ۵: سیاست‌های تقنینی و قوانین مطبوعاتی (تعداد کاندیداها و رد صلاحیت‌شدگان انتخابات مجلس شورای اسلامی بر حسب عملکرد هیئت‌های اجرایی و نظارت..... ۱۰۵
- جدول شماره ۶: سیاست‌های تقنینی و مطبوعات؛ تقنین و تغییر مسلسل قوانین مطبوعاتی پس از انقلاب اسلام..... ۱۱۳
- جدول شماره ۷: سیاست‌های تقنینی و مطبوعات؛ آنالیز قوانین مطبوعاتی پس از انقلاب اسلامی بر حسب تکالیف و محدودیت‌ها - حقوق و آزادی‌ها..... ۱۱۶
- جدول شماره ۸: سیاست‌های تقنینی و مطبوعات؛ آنالیز قوانین مطبوعاتی سه مقطع کلیدی بر حسب تکالیف و محدودیت‌ها - حقوق و آزادی‌ها..... ۱۱۸
- جدول شماره ۹: شاخص‌های سیاست‌های بورکراتیک و مطبوعات در دوره اول..... ۱۲۴
- جدول شماره ۱۰: شاخص‌های سیاست‌های بورکراتیک و مطبوعات در دوره دوم..... ۱۲۵
- جدول شماره ۱۱: شاخص‌های سیاست‌های بورکراتیک و مطبوعات در دوره سوم..... ۱۲۵
- جدول شماره ۱۲: شاخص‌های سیاست‌های بورکراتیک و مطبوعات در دوره چهارم..... ۱۲۶
- جدول شماره ۱۳: شاخص‌های سیاست‌های بورکراتیک و مطبوعات به تفکیک دوره‌های چهارگانه..... ۱۲۷
- جدول شماره ۱۴: شاخص‌های سیاست‌های قضایی و مطبوعات در دوره اول..... ۱۲۸
- جدول شماره ۱۵: شاخص‌های سیاست‌های قضایی و مطبوعات در دوره دوم..... ۱۲۴
- جدول شماره ۱۶: شاخص‌های سیاست‌های قضایی و مطبوعات در دوره سوم..... ۱۲۹
- جدول شماره ۱۷: شاخص‌های سیاست‌های قضایی و مطبوعات در دوره چهارم..... ۱۲۹
- جدول شماره ۱۸: شاخص‌های سیاست‌های قضایی و مطبوعات به تفکیک دوره‌های چهارگانه..... ۱۳۰
- جدول شماره ۱۹: شاخص‌های رفتار سیاسی و یک‌سویه‌گرایی توده‌ها در دوره اول..... ۱۳۱
- جدول شماره ۲۰: شاخص‌های رفتار سیاسی و یک‌سویه‌گرایی توده‌ها در دوره دوم..... ۱۳۴
- جدول شماره ۲۱: شاخص‌های نظام رفتار سیاسی و یک‌سویه‌گرایی توده‌ها در دوره سوم..... ۱۳۵
- جدول شماره ۲۲: رفتار سیاسی و یک‌سویه‌گرایی توده‌ها در دوره چهارم..... ۱۳۵
- جدول شماره ۲۳: رفتار سیاسی و یک‌سویه‌گرایی توده‌ها به تفکیک دوره‌های چهارگانه..... ۱۳۶
- جدول شماره ۲۴: شاخص‌های کاست‌گرایی مدنی در دوره اول..... ۱۴۱
- جدول شماره ۲۵: شاخص‌های کاست‌گرایی مدنی در دوره دوم..... ۱۴۲
- جدول شماره ۲۶: شاخص‌های کاست‌گرایی مدنی در دوره سوم..... ۱۴۳
- جدول شماره ۲۷: شاخص‌های کاست‌گرایی مدنی در دوره چهارم..... ۱۴۳
- جدول شماره ۲۸: شاخص‌های کاست‌گرایی مدنی به تفکیک دوره‌های چهارگانه..... ۱۴۴

- جدول شماره ۲۹: شاخص‌های جامعه سیاسی در دوره اول..... ۱۴۵
- جدول شماره ۳۰: شاخص‌های جامعه سیاسی در دوره دوم..... ۱۴۶
- جدول شماره ۳۱: شاخص‌های جامعه سیاسی در دوره سوم..... ۱۴۷
- جدول شماره ۳۲: شاخص‌های جامعه سیاسی در دوره چهارم..... ۱۴۷
- جدول شماره ۳۳: شاخص‌های جامعه سیاسی به تفکیک دوره‌های چهارگانه..... ۱۴۸
- جدول شماره ۳۴: ضرایب رگرسیون دولت قانون بر؛ جامعه سیاسی باز،
- کاست‌گرایی مدنی و یکسویه‌گرایی توده‌ها..... ۱۴۹
- جدول شماره ۳۵: رگرسیون دولت قانون بر جامعه سیاسی باز، کاست‌گرایی مدنی و یکسویه‌گرایی توده‌ها..... ۱۴۹
- جدول شماره ۳۶: ضرایب رگرسیون دولت قانون بر؛ جامعه سیاسی باز و کاست‌گرایی مدنی..... ۱۵۱
- جدول شماره ۳۷: رگرسیون دولت قانون بر؛ جامعه سیاسی باز و کاست‌گرایی مدنی..... ۱۵۱
- جدول شماره ۳۸: ضرایب رگرسیون کاست‌گرایی مدنی بر؛ یکسویه‌گرایی توده‌ها..... ۱۵۳
- جدول شماره ۳۹: وزن‌های رگرسیون در برنامه Amos..... ۱۵۵
- جدول شماره ۴۰: وزن‌های استاندارد شده رگرسیون..... ۱۵۵
- جدول شماره ۴۱: شاخص SMC..... ۱۵۵
- جدول شماره ۴۲: مقایسه میانگین‌های دولت قانون در دوره‌های چهارگانه..... ۱۵۶
- جدول شماره ۴۳: جدول آزمون t و سطح معنی داری آن..... ۱۵۶
- جدول شماره ۴۴: مقایسه میانگین‌های دوره‌های چهارگانه و نتایج پیش‌آزمونهای توکی و شفه..... ۱۵۸

فهرست مدل‌ها

عناوین

شماره صفحه

مدل شماره ۱: عوامل اجتماعی مؤثر بر دولت قانون.....	۳۸
مدل شماره ۲: مدل مفهومی رابطه‌ی شکل و محتوای قانون.....	۴۶
مدل شماره ۳: استنتاجی از نظام مفهومی هابرماس	۵۰
مدل شماره ۴: مدل مفهومی.....	۹۲
مدل شماره ۵: عوامل عام مؤثر بر دولت قانون در مدل نظری.....	۹۳
مدل شماره ۶: تأثیرات خاص متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته.....	۹۳
مدل شماره ۷: مدل نظری مورد انتظار.....	۱۵۲
مدل شماره ۸: مدل تحلیل مسیر متغیرهای مستقل؛ حالت اول.....	۱۵۲
مدل شماره ۹: مدل تحلیل مسیر متغیرهای مستقل؛ حالت دوم.....	۱۵۳
مدل شماره ۱۰: مدل خروجی برنامه Amos.....	۱۵۴

فصل یکم؛

مسأله پژوهش

۱- طرح مسأله

قانون‌گرایی و قانون‌گریزی دولت (نظام سیاسی) مسأله‌ای است که همواره در رشته‌های مختلف سیاسی چون جامعه‌شناسی و حقوق مورد توجه بوده است. این مسأله حداقل دو موضوع مهم را برجسته می‌کند؛ از یکسو روابط و مناسبات میان قدرت و قانون را آشکار می‌سازد و از سوی دیگر "نوع دولت قانون" و تغییرات آنها را بیان می‌کند. دولت قانون (the law state) صورتی از مفهوم پرسابقه حاکمیت قانون (Rule of law) است که در جامعه‌شناسی سیاسی به مثابه سنجی از دولت در نظر گرفته می‌شود و آغاز آن حداقل با نظریه قدرت عقلانی - قانونی ماکس وبر پیوند دارد. قانون‌گریزی و قانون‌شکنی که در فضای دولت و کنشگران دولتی به وقوع می‌پیوندد به معنی نادیده گرفتن امر قانونی یا معارضه جزئی و کلی با آن است. این واقعه شامل ظاهر و روح قوانین است که در سیستم‌های دولتی و عمل کنشگران حکومتی به وقوع می‌پیوندد. قانون‌گریزی دولت در نقض حاکمیت قانون اساسی، قوانین عادی و سایر مقررات قانونی ظهور می‌کند و معمولاً اشکال گوناگون و گاه بسیار پیچیده و مزمین دارد که به سادگی قابل شناخت نیست. این مشکل گاهی به شکل ساختاری و کنشی از مرحله تقنین آغاز می‌شود و گاهی در سیستم بورکراسی دولتی به وقوع می‌پیوندد و گاهی هم در سیستم قضایی رخ می‌دهد. در واقع قانون‌گریزی دولت موجب می‌شود مناسبات معقول و متوازن قدرت و قانون به هم ریزد و یک پدیده مرضی به نام "تعارض قدرت - قانون" تولید شود و آثار آن در کل جامعه بسط می‌یابد و مقدرات شهروندان و تابعین را نیز متأثر می‌سازد.

قانون‌گریزی و قانون‌شکنی دولت در عمل می‌تواند اشکال متنوعی داشته باشد به عنوان مثال گاهی تشکیل پارلمان و قانون‌گذاری در فضای سیاسی محدود و جامعه سیاسی بسته اتفاق می‌افتد. گاهی یک سیستم یا مراجع دولتی نسبت به قوانین موجود سکوت و بی‌توجهی می‌کند، گاهی با وجود یک شیوه‌ی قانونی معین، بر خلاف شیوه‌ی تعریف شده در قانون عمل می‌شود. گاهی عمل به قانون بیش از آن حدی است که قانون‌گذار معین کرده است؛ یعنی دولت به یک تفسیر موسّع از قانون دست می‌زند. گاهی برعکس، عمل به قانون خیلی کمتر از آن حدی است که قانون‌گذار تعیین کرده است؛ یعنی دولت با یک تفسیر مضیق از آن عمل می‌کند. در مواردی هم دولت مصمم به انجام کاری است ولی قانون صریحی برای اراده و تصمیم خود ندارد، اما بخش‌هایی از قوانین پراکنده را به گونه‌ای در کنار هم قرار می‌دهد تا ظاهری قانونی برای اراده خود فراهم سازد. در برهه‌هایی نیز دیده می‌شود دولت به دنبال اعمال خشونت فراقانونی است در حالیکه ماهیت عقلانی و مدنی قوانین چنین اجازه‌ای نمی‌دهد، ولی دولت اراده خود را اعمال می‌کند. در نتیجه این نوع اعمال قدرت و خشونت موجبات قانون‌گریزی در دیگر سطوح سیاسی - اجتماعی می‌شود و روابط متوازن و عقلانی شهروندان و قانون را هم تخریب می‌کند و قانون‌گریزی در میان مردم را نیز تشدید می‌کند.

همه‌ی حالات پیش گفته و حالات دیگری که معمولاً در واقعیت و عمل سیاسی رخ می‌دهد و نمی‌توان همه آنها را احصاء کرد، به معنی عدم قانون‌گرایی دولت یا قانون‌گریزی آن است. در همه‌ی این وضعیت‌ها و حالات نظام سیاسی با تمسک به ظاهری از قانون اراده و قدرت خود را اعمال می‌کند. در نتیجه قانون در حد ابزاری برای اعمال اراده نخبگان سیاسی حاکم، بورکراتها، قضات و پلیس تنزل پیدا می‌کند. در حالیکه هدف از حکومت قانون تاسیس و تداوم "دولت قانون" و تحدید اراده‌ی حاکمان، نخبگان سیاسی و مأموران دولت است تا اعمال قدرت و خشونت صرفاً از طریق قانون و به صورت غیرشخصی و پیش‌بینی شده صورت گیرد و دولت، این نیروی برتر و ضروری جامعه که دارای بیشترین قدرت و حق انحصاری اعمال قهر و زور است در تحت حاکمیت قانون و رها از اراده‌ی اشخاص نه تنها به نیرویی علیه جامعه تبدیل نشود، بلکه به عنوان نیرویی معقول در خدمت جامعه باشد و از انواع فساد و زوال سیاسی مصون ماند. ولی تاریخ دولت نشان می‌دهد، دولت در موارد بسیاری به نیروئی علیه جامعه و شهروندان خود تبدیل می‌شود.

در جامعه‌ی ایرانی تحت تأثیر دگرگونی‌های مدرن از انقلاب مشروطه، حکومت قانون و قانونی شدن قدرت آغاز شد و فرایند تشکیل پارلمان، قانون‌گذاری و حاکمیت قانون به جای حکومت و اراده‌ی حاکمان پدیدار شد و فرایند مشروطیت بر اساس مختصات جامعه ایرانی و شرایط خاص تاریخی ایران خصلتی ویژه و تا حدودی بومی پیدا کرد. (کاتوزیان؛ ۱۳۹۰: ۷۵) به طوری که قانون‌گذاری، بورکراسی و سیستم قضایی در ایران معنای خاصی پیدا کرد و کم و بیش قانونی شدن قدرت وجهی از دولت و جامعه‌ی ایرانی معاصر گردید و امروزه دیگر گریزی از آن نیست. در برخی جوامع دیگر فرآیند تاریخی قانونی شدن قدرت و به تعبیر خاص تکوین دولت قانون به تدریج موجب حذف یا تقلیل "شخص سالاری" و در مقابل بسط و تحکیم عقلانیت، ساختارهای غیرشخصی، بورکراسی، نظارت بر قدرت، نظام قضایی مستقل و پاسخگوسازی دولت شد. در برخی جوامع غربی این فرایند عملاً به سمتی سیر کرد که از متن حکومت‌های مطلقه، حکومت‌های مشروطه پدید آمد و حکومت‌های مشروطه نیز در یک فرآیند تاریخی به دولت‌های مردم‌سالار منتهی شدند. اما در ایران تجربه قانونی شدن دولت به گونه‌ای طی مسیر کرده است که همواره فرزاندگی حاکم، شخص سالاری، یگه‌سالاری و دریافتهای یگانه آنان به قانون راه یافته است. در نتیجه در تاریخ ایران معاصر قانون به مثابه نهادی برای ظهور ویژگی‌های باطنی و خصلت‌های تاریخی و فرهنگی این جامعه عمل کرده است. در سیاست ایرانی اساساً یک "عنصر سنتی" وجود دارد که همانا حاکمیت با یک شخص فرهمند و مقتدر است که دیگران بازتابی از اراده و فکر او به حساب می‌آیند. (حیدری‌نیا؛ ۱۳۸۶: ۱۰۸)

پس از انقلاب اسلامی، نظام سیاسی ویژه‌ای متناسب با ماهیت این انقلاب تاسیس شد و "جمهوری اسلامی" که بیانگر وجه سیاسی آن بود بر اساس تجربه‌ای ایدئولوژیک - قانونی شکل گرفت. قبل از انقلاب اسلامی از زمان مشروطه خواهی حداقل دو رویکرد معارض نسبت به قانون در میان کنشگران و جریان‌های سیاسی ایرانی وجود داشت؛ در یک طرف متشرعین، کنشگران مذهبی و روحانیت قرار داشت که صرفاً به اجرای احکام شریعت نظر

داشت. در طرف دیگر منورالفکران و کنشگران اجتماعی بودند که کم و بیش قانون را امری غیردینی و بشری می‌دانستند که نسبت چندانی با شریعت ندارد. اما برخی نخبگان سیاسی و انقلابی که به امام خمینی (ره) رهبر انقلاب اسلامی نزدیک بودند، با طرح رویکردی جدید بر آن شدند که احکام شریعت از طریق مکانیسم پارلمانی به قانون تبدیل شود و صرفاً قانون مورد عمل حاکمیت و اجزاء آن واقع گردد و احکام شرعی طی عبور از فرایند قانون‌گذاری در نظام سیاسی وارد شده و مورد عمل قرار گیرد. (حسینی بهشتی، ۱۳۶۰: ۴۷ و ۲۱) در نتیجه در این شرایط توجه به قانون‌گذاری و قانون‌گرایی دولت نسبت به قبل از انقلاب اهمیت بیشتری پیدا کرد، به ویژه به جهان‌بینی بومی ایرانیان نیز نزدیکتر شد. اما یک نگاه به مناسبات "دولت و قانون" در سالهای پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد، همچنان قانونی‌گرایی دولت در ساختارهای سیاسی، کنش‌های سیاسی و گفتمان سیاسی به مقدار قابل توجهی با مشکل مواجه است. به سخن دیگر در سطح سیاسی تعارض قدرت و قانون همچنان بالا است و کم نیستند مواردی که قدرت بر قانون غالب می‌آید و دولت فراقانونی یا خارج از قانون عمل می‌نماید. برخی رویدادها و نشانه‌هایی که در خصوص این ادعا می‌توان مطرح کرد به عبارت زیر است:

۱- منع بخشی از گروهها، طبقات و افکار اجتماعی از حضور در مشارکت و رقابت انتخاباتی مجلس: چون در نظام‌های پارلمانی مشارکت و رقابت انتخاباتی تأثیر سرنوشت‌سازی در ساختار دولت دارد وقتی سخنگویان بخشی از گروهها، طبقات و افکار جامعه از مشارکت و رقابت انتخاباتی منع و حذف می‌شوند، عملاً قانون‌گذاری در غیاب بخشی از افکار، علائق و گروههای اجتماعی صورت می‌گیرد و این غیبی موجب می‌شود یک محدودیت ساختاری در نظام قانون‌گذاری شکل گیرد و از "عام‌گرایی قوانین" کاسته شود و به همان میزان قوانین خاص‌گرا باشند. آمارها و یافته‌های یک تحقیق تجربی نشان می‌دهد حذف و رد صلاحیت بخشی از سخنگویان گروهها و افکار در دوره‌های مختلف انتخابات مجلس شورای اسلامی به طور مستمر اتفاق افتاده و در برخی دوره‌ها به مقدار زیادی تشدید نیز شده است. (ساعی؛ ۱۳۸۶: ۱۵۳)

۲- سیاست‌گذاری در ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی: یکی از رویدادهای مهمی که در دهه ۸۰ رخ داد سیاست‌گذاری در ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام بود. (رونق؛ ۱۳۸۸: ۲۲) اما این سیاست‌گذاری در ذیل اصل ۴۴ به صورتی مغایر با خود اصل رخ داد. در این اصل حدود و مرزهای سه بخش اقتصادی کشور تعریف و معین شده بود. ولی با سیاست‌گذاری در ذیل این اصل حدود و مرزهای مطرح در آن به شکل کلی یا جزئی تغییر کرد و حدود جدیدی به نفع بخش خصوصی تعیین گردید. حالا بگذریم که قانون اساسی فقط بایستی از سوی مفسر رسمی (شورای نگهبان قانون اساسی) تفسیر گردد و در جایی از آن رویه‌ای به اسم سیاست‌گذاری در ذیل اصول آن بیان نشده است. در عین حال این سیاست‌گذاری با ظاهر و روح این اصل در تعارض است و عملاً این سیاست‌گذاری به تغییر قانون اساسی منجر گردید. در حالی که در خود قانون اساسی

برای تغییر آن راه حل روشنی پیش‌بینی شده است و در این راه حل "همه‌پرسی" یکی از فرآیندهای ضروری است تا مردم نیز در تغییر آن شریک باشند و حق اعمال حاکمیت ملت از طریق همه‌پرسی حفظ شود.

۳- چالش نظم سیاسی: قوانین در سطوح مختلف اصلی‌ترین عامل ایجاد وفاق و بازتولید "نظم سیاسی" هستند و از این طریق جلوی آشفتگیها و تضادها در نظام سیاسی گرفته می‌شود. اما وقتی مجموعه قوانین جامعه چنین کارکردی نداشته باشند، نشان از سستی و بی‌خاصیتی قوانین است. در ایران بی‌نظمی سیاسی با انتخاب هر رئیس‌جمهور بیشتر نمایان می‌شود، با انتخاب هر رئیس‌جمهوری گویا از نو یک دگرگونی انقلابی آغاز شده است. کافی است دو رئیس‌جمهور دهه‌های هفتاد و هشتاد (آقایان خاتمی و احمدی نژاد) مقایسه شود تا این مسأله روشنتر گردد؛ رفتارها و اهداف سیاسی این دو سیاستمدار به قدری از هم متفاوت بوده است که گویا این دو نفر در ذیل "قوانین یکسان ملی" رفتار نمی‌کنند. اساساً در جامعه‌ای که قوانین حکومت می‌کنند رفتارها و اهداف سیاسی نخبگان حاکم نمی‌تواند این همه متعارض باشد.

۴- مشکل قوانین معطله: معمولاً یکی از مهم‌ترین سوالاتی که در هنگام تدوین و تصویب هر قانونی شکل می‌گیرد این است که آیا این قانون اجرا خواهد شد و اگر اجرا شود چگونه اجرا خواهد شد؟ این سؤالات و تردیدها نشانه آن است که حداقل در مواردی اجرای قوانین قطعی و حتمی نیست و اگر اجرا می‌شود متفاوت از آنچه که قانونگذار وضع کرده است، اتفاق می‌افتد. حتی برخی اصول قانون اساسی همواره با تعطیلی مواجه بوده است. اصول مربوط به شوراها (اصول ۱۰۰ تا ۱۰۶) پس از مدتها با یک تفسیر بسیار مضیق به اجرا در آمد. حقوق قومیت‌های ایرانی که در اصل ۱۵ ذکر شده هنوز به مورد اجرا در نیامده است. اصل ۲۶ قانون اساسی در مورد آزادی احزاب و جمعیت‌ها غالباً با تفسیری بسیار مضیق اجرا می‌شود. اصل ۲۷ در مورد آزادی تشکیل اجتماعات با محدودیت و عدم اجرا مواجه است. اصل ۱۶۸ (الزام تشکیل دادگاه سیاسی با حضور هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی) هنوز هم با تعطیلی طولانی مدت و چند دهه‌ای مواجه است.

۵- مواجهه فراقانونی با منتقدان و کنشگران سیاسی: از مهم‌ترین تضادهایی که در جامعه ایرانی به صورت متناوب و در اشکال مختلف دیده می‌شود عدم رعایت حقوق و آزادی‌های قانونی منتقدان، کنشگران سیاسی و مطبوعات و رسانه‌های مستقل است. اقداماتی نظیر بستن روزنامه‌ها و سایتها، لغو فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، عدم صدور مجوز برای اجتماعات، مجازات فعالان سیاسی و مطبوعاتی تقریباً به یک رویه مستمر تبدیل شده است.

۶- جدالهای حاد قوا: در مواردی عدم تمکین قوه مجریه از قوانین موضوعه مجلس شورای اسلامی کشمکش سیاسی حادی ایجاد می‌کند. در یکی از این کشمکش‌های سیاسی رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: «اگر کسی بگوید قانون را اجرا نمی‌کنم یعنی اهل برنامه نیست و ... اجازه نمی‌دهیم کسی از قانون تخطی کند. این گردن کشی است، تخلف از قانون قباحث دارد.» (لاریجانی؛ روزنامه همشهری ۱۳۸۹/۴/۲۰) این کلمات می‌تواند تندترین

واژگان در ادبیات سیاسی یک کشور باشد. از سال ۱۳۸۹ مشکل میان مجلس و رئیس جمهوری حادث نیز شده است به طوری که حل جدال را به داورهای فرا قانونی کشانده است.

۷- فساد بورکراتیک و مالی: گزارش‌های سالیانه سازمان بین‌المللی شفافیت شاخص قابل اعتنایی از فساد بورکراسی و مالی را در جامعه ما نشان می‌دهد. سازمان بین‌المللی شفافیت (transparency) که در آبان ۱۳۸۹ پانزدهمین گزارش از سلسله گزارش‌های سالانه خود در مورد فساد بورکراسی‌ها در جهان را منتشر کرد. در این گزارش نمره ۱۷۸ کشور جهان در شاخص ادراک فساد مورد بررسی قرار گرفته و ارائه شده است. شاخص ادراک فساد میزان فساد اداری و مالی در هر کشور را نشان می‌دهد و نمراتی در دامنه صفر تا ۱۰ را در برمی‌گیرد که هر چه این نمره بزرگتر باشد به سلامت بیشتر و فساد کمتر اشاره می‌کند. نمره سال ۱۳۸۹ ایران در شاخص ادراک فساد ۲/۲ اعلام شد. در گزارش سال ۱۳۸۸ نیز ایران رتبه ۱۶۸ را در میان ۱۸۰ کشور مورد بررسی، کسب کرده بود و نمره ۱/۸ را در شاخص ادراک فساد بدست آورده بود. این نمرات نشان از خطر بالای فساد اداری و مشکل بورکراسی در ایران دارد. ([http. Transparency.com](http://Transparency.com))

علاوه از مواردی که در بالا بیان شد در حوزه‌های دیگری نیز چون ساختار پارلمان و قانون‌گذاری، امور قضائی، پلیس و امنیت، رفتار بورکراتهای رسمی، مدیریت بحران‌های سیاسی، اجرا جامع قانون اساسی و سیاست‌گذاری‌های کلان قانون‌گزینی و قانون شکنی کم اتفاق نمی‌افتد. اگر چه قانون همواره به عنوان یک پدیده‌ی همیشگی در ایران معاصر وجود دارد، اما به صورت محتوایی و به مثابه یک ارزش سیاسی چندان در ساختار سیاسی و رفتارهای نخبگان سیاسی حاضر نیست و در ذهنیت و رفتار کنشگران حکومتی " به عنوان ضابطه فعل سیاسی " تلقی نمی‌شود. قانون کم و بیش در مناظرات و گفت و شنیده‌های معمولی و "مناسک حکومتی" مورد استناد قرار می‌گیرد، اما غالباً ذهن "کنشگران حکومتی" و کنشهای آنان با "فضیلت قانونی بودن" آمیخته نیست. اگر "فعل قانونی" را فضیلتی اخلاقی برای عمل سیاسی حکومت به مثابه یک ضابطه در نظر بگیریم، معمولاً چنین فضیلتی در ساخت سیاسی و ذهنیت کنشگران حکومتی غایب است. در نتیجه در موارد زیادی قانون‌گزینی دولت از تقنین تا اجرا و قضا چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و حتی به حساب نمی‌آید و بالتبع در چنین شرایطی حضور ظاهری قوانین خود موجب تباهی می‌شود و تباهی از این طریق در جامعه بسط پیدا می‌کند. زیرا صرف حضور قانون و نظام قانونی دلیل کافی برای قانونی بودن و قانون‌گرایی دولت نمی‌تواند باشد، بلکه باید دید در جریان تعارض قدرت و قانون، قدرت بر قانون محیط است یا برعکس قانون بر قدرت غالب است.

امروزه هر چند دولت‌ها و حکام نمی‌توانند به جهت الزامات خاص زمانه، در ظاهر از قانون و حکومت قانون احتراز کنند، اما چندان هم قانون را راهنما و معیار عمل خود احساس نمی‌کنند و قانون به عنوان یک ارزش سیاسی در ذهن آنان جای نگرفته است. در واقع غرض آن نیست که یک یا چند نخبه‌ی سیاسی و حاکم، آگاهانه این راه را